

یادداشت سردبیر

یادگیری‌های ازدست‌رفته

برخی از بزرگ‌ترین چالش‌های نظام آموزشی بی‌صدا و تدریجی شکل می‌گیرند. «یادگیری‌های ازدست‌رفته» از همین جنس هستند؛ پدیده‌ای که شاید در آغاز نشانه‌ای آشکار نداشته باشد، اما اگر به‌موقع شناسایی و جبران نشود، پیامدهای آن در افت تحصیلی، کاهش انگیزه، گسترش نابرابری آموزشی، ترک تحصیل و در نهایت کاهش سرمایهٔ انسانی کشور بروز خواهد یافت. این مسئله تنها یک دغدغهٔ آموزشی نیست، بلکه موضوعی راهبردی برای آیندهٔ جامعه است.

مدرسه نخستین و مهم‌ترین سنگر پیشگیری از این آسیب است و در این میان، رهبر مدرسه نقشی بی‌بدیل دارد. امروز دیگر از رهبر مدرسه تنها انتظار نمی‌رود که امور اجرایی را سامان دهد، برنامهٔ هفتگی را تنظیم کند یا بر اجرای مقررات نظارت داشته باشد. رهبری مدرسه در عصر حاضر، بیش از هر زمان دیگری، رهبری یادگیری است. رهبر موفق کسی است که نبض یادگیری را در مدرسه در دست داشته باشد، افت‌ها را پیش از آنکه به بحران تبدیل شوند تشخیص دهد، فرصت‌های ازدست‌رفته را بازیابی کند و هیچ دانش‌آموزی را در مسیر رشد و یادگیری تنها نگذارد.

یادگیری‌های ازدست‌رفته همیشه نتیجهٔ ضعف دانش‌آموز نیست. گاه حاصل غیبت‌های مکرر، تغییرات برنامه‌های آموزشی، شرایط خانوادگی، مشکلات اقتصادی، آسیب‌های اجتماعی، پیامدهای بحران‌های فراگیر یا حتی شیوه‌های نامتناسب آموزش و ارزشیابی است. بنابراین، نخستین گام، تغییر نگاه ماست؛ از سرزنش دانش‌آموز به‌سوی مسئولیت‌پذیری مدرسه. مدرسه‌ای که یادگیری را رسالت اصلی خود می‌داند، پیش از آنکه به دنبال مقصر باشد، به دنبال راه‌حل می‌گردد.

در چنین مدرسه‌ای، ارزشیابی صرفاً ابزار نمره‌دادن نیست، بلکه وسیلهٔ شناخت دقیق نیازهای یادگیری دانش‌آموزان است. معلمان، معاونان و مشاوران، در کنار رهبر، شبکه‌ای از حمایت آموزشی را شکل می‌دهند تا هیچ فاصلهٔ یادگیری‌ای پنهان نماند و هیچ استعدادی به دلیل بی‌توجهی خاموش نشود. این همان مدرسه‌ای است که عدالت آموزشی را نه در شعار، بلکه در عمل معنا می‌کند.

امروز کیفیت یک مدرسه را تنها با میانگین نمره‌ها یا درصد قبولی آن نمی‌سنجند. مدرسه‌ای موفق است که بتواند دانش‌آموزان در معرض خطر را به‌موقع شناسایی کند، برای آنان برنامه‌های جبرانی مؤثر طراحی و مسیر بازگشت به یادگیری را هموار کند. وقتی دانش‌آموزی از چرخهٔ شکست آموزشی نجات می‌یابد، تنها آمار شکل نیافته، بلکه آیندهٔ یک خانواده، امید یک جامعه و بخشی از سرمایهٔ انسانی کشور حفظ شده است.

رهبران حرفه‌ای و اثرگذار مدرسه‌ها می‌کوشند با تجربه‌ها، یافته‌های پژوهشی و راهکارهای عملی خویش زمینه‌ساز گفت‌وگوهای حرفه‌ای، تصمیم‌های دقیق‌تر و اقدام‌های مؤثرتر در مدرسه‌ها شوند و از این طریق این مسئولیت خطیر را با آگاهی و اثربخشی بیشتری به انجام برسانند. بیایید مدرسه را به محیطی تبدیل کنیم که در آن هیچ دانش‌آموزی در هیاهوی برنامه‌ها، آزمون‌ها، بخشنامه‌ها و گزارش‌ها فراموش نشود؛ مدرسه‌ای که در آن هر فرصت یادگیری ارزشمند است و هر گام برای جبران یک کاستی، سرمایه‌گذاری برای آیندهٔ ایران عزیز است.

توصیه می‌کنم این جمله را به‌عنوان شعار پیش روی خود قرار دهید:

«امروزه، موفقیت هر مدرسه تنها با آموخته‌های دانش‌آموزان سنجیده نمی‌شود، بلکه توانایی مدرسه در شناسایی و جبران نیاموخته‌های آنان و تبدیل آن‌ها به فرصت‌های تازهٔ یادگیری اهمیت دارد.»